



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گونه‌ای ایدآلیسم متعالی شکل می‌گیرد؛ چنانکه نگاه آهوئی موجب بیداری وجدان آگاه می‌شود! آسبی شاه ستمگری را از میان برمی‌دارد.^۲ ماری به نشانه سپاس، گیاهی سبز به ارمغان می‌آورد.^۳ ماری دیگر در بیابان خود را سایه بان مردخدا می‌سازد،^۴ و بسیاری موارد دیگر. (نکته قابل تأمل آنکه همین جنبه آرمان خواهی است که راه را برای پدیدآمدن داستانهای رمزی و سمبولیک می‌گشاید.) گاهی نیز جلوه‌هایی از همین جهان، پایه‌ای زیبایی شناسانه را پی می‌ریزد؛ چنانکه چشم و گردن و خرامیدن آهو، رمز زیبایی معشوق می‌شود.^۵ رنگ زیبای پوست ببر و پلنگ الهام بخش توصیف زیبایی طبیعت، آسمان، زمین و خزان می‌شود.^۶ و دم طاووس، پر طوطی، نعره شیر، راهواری شتر و... هزاران توصیف زیبا و تصویر هنری را باز می‌تابند. همچنین گاهی، ذهن پویای هنری، برخی از جلوه‌های طبیعی را به بعضی از پدیده‌های پیشین پیوند می‌دهد؛ چنانکه طوق سبز کبوتر یادآور زمانی می‌شود که این پرنده با به همراه داشتن برگ زیتون، فرونشستن سیل و غضب الهی را برکشتی نشستگان، مژده داده است.^۷

کتاب **فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی** که به همت ستودنی خانم دکتر منیره عبدالهی فراهم آمده و با سلیقه شایسته انتشارات پژوهنده منتشر شده است، گام ارزشمندی است در باز نمودن گسترده

انسان به شهادت کهن‌ترین باورهای اساطیری تا علمی‌ترین نوشته‌های امروز، همواره کوشیده است تا چگونگی آفرینش جهان و موجودات را بازگویی کند. از کهن‌ترین متون مانوی که در برخی از آنها جهان و موجودات و جانوران پاره‌ای از تن دیوان دانسته شده است تا یافته‌های داروین و زیست‌شناسان دیگر درباره تکامل انواع، تا همین امروز، کوششی فراگیر در شناسایی چستی موجودات جهان صورت پذیرفته است.

در این میان ذهن متخیل انسان نیز بی کار نمانده و در عرصه هنر و با دخل و تصرف در واقعیت، جابه‌جا کردن عناصری ویژه و گاه گزینش آنها، به آفرینشی خلاق دست یازیده است تا به سهم خود در واگویی جهان سهیم باشد و آنچه را که استنباط آمیخته با آفرینه‌های تخیلی خود اوست، بر واقعیت علمی تحمیل کند. به این ترتیب علم و تخیل در کشمکش و اوج و فرودهای خود با یکدیگر گره می‌خورند و تبیین انسان از جهان و موجودات آن برآیند و حاصل این تعامل می‌شود. پیرو همین داد و ستد، دنیای رنگارنگی پدید می‌آید که همه موجودات و از آن جمله جانوران چونان جلوه‌هایی خاص در این دنیا، الهام بخش عرصه وسیعی از تخیل و خلاقیت انسانی قرار می‌گیرند. در این جهان گاه هدفی آرمانی و شاعرانه دنبال می‌شود و



● فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی

● انتشارات پژوهنده، چاپ اول، ۱۳۸۱



دسته اول منابعی هستند که به گونه‌ای، دایرةالمعارف و دانشنامه به شمار می‌آیند. کتاب دینکرت، دایرةالمعارف دینی زردشتیان به زبان پهلوی، که در قرن دوم و سوم هجری نگاشته شده شاید نخستین نمونه باشد. در قرن چهارم نیز کتاب **مفاتیح العلوم** خوارزمی و سپس کتاب **احصاءالعلوم** ابونصر فارابی و به دنبال آن کتاب مهم و تأثیرگذار ابن سینا یعنی **دانشنامه علایی** پدید آمده است. از جمله دایرةالمعارفهای معتبر دیگر می‌توان به **درةالتاج** اثر قطب الدین شیرازی (۷۸۰-۶۳۴) و نیز کتاب **نقایس الفنون** (پدیدآمده در سال ۷۴۰) از شمس الدین محمدبن محمود املی اشاره کرد. در این گونه آثار به دلیل جامعیت، تنها بخشهایی مختصر به جانوران اختصاص داده شده که معمولاً با اطلاعات زیست‌شناسی و پزشکی و عقاید عامه آمیخته شده است. البته گفتنی است که در کنار این منابع رسمی، گونه‌هایی دیگر با نام عمومی «عجایب نامه»، پدیدآمده‌اند که از معروف‌ترین آنها می‌توان به **عجایب نامه محمدبن محمود همدانی** (نیمه دوم قرن ششم) اشاره کرد. ناگفته می‌توان حدس زد در این منابع نیز به جز دریافته‌های خرافی و به دور از واقعیت علمی و ادبی، چیز دیگری به دست نمی‌آید.

دسته دوم منابع عربی است، همچون: **حیوةالحيوان** الدمیری و

این بخش از جهان موجود. خانم عبدالهی کوشیده است تا با جست و جو و واکاوی متون، بروز و نمودهای گوناگون جانوران را در ادب پارسی به شکل منظم و طبقه‌بندی شده پیش روی خواننده بنمایاند. کتاب یاد شده در دو جلد و با هفتاد و شش مدخل (از آهو تا یوز) کلیه جانورانی که به نحوی در حوزه ادبیات فارسی تا سده هفت هجری وارد شده‌اند، بررسی و معرفی تفصیلی کرده است. برای دریافت میزان لزوم این گونه فرهنگهای جامع و اختصاصی، پس از نگاهی مختصر به پیشینه فرهنگ نویسی به طور عام و فرهنگهای جانوران به طور خاص، دریافته می‌شود که نوشته‌های پدیدآمده پیشین را در پیوند با موضوع مورد نظر می‌توان به سه دسته عمده تقسیم کرد:

الحيوان جاحظ که اگرچه مفصلاً به موضوع جانوران پرداخته‌اند، اما از آنجا که بر پایه عقاید و ادبیات عرب بنا شده‌اند، راه همواری را برای فارسی‌زبانان نمی‌گشایند و شیوه تدوین و مطالب آنها، به دلیل کهن بودن حتی برای بسیاری عرب‌زبانان معاصر چندان قابل استفاده نیست.

دسته سوم شامل کتابهایی است که در دوران معاصر نگاشته شده‌اند که یا کتب صرفاً علمی و مربوط به زیست‌شناسی هستند و یا براساس رویکردهای اسطوره‌شناسی و با زمینه‌های روان‌شناسی جدید تألیف شده‌اند که عموماً ترجمه یا حاصل تحقیقات محققان غربی هستند و طبیعتاً خاص همان کشورها تألیف شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت کتاب مورد نظر مجموعه مدونی است که اختصاصاً به توضیح و تشریح معانی و کارکردهای گونه‌گون جانوران در ادب فارسی و فرهنگ ایرانی، پرداخته و در نوع خود منحصر به فرد است. طریقه تدوین کتاب نسبتاً مبتکرانه است. مؤلف در هر مدخل، ضمن بهره‌گیری از شیوه گسترده و تفصیلی مقاله مانند، از ایجاز و اختصار و نیز انتظام و دسته‌بندی خاص فرهنگها نیز غافل نمانده است و با تلفیق دوروش تفصیلی و اختصاری، اثری پدیدآورده که بیشترین اطلاعات را در پیوند با موضوع خواسته شده، در کمترین زمان در اختیار مراجعه‌کننده قرار می‌دهد. توضیح آنکه در این فرهنگنامه ۷۶ مدخل به صورت الفبایی تنظیم شده است و هر کدام از این مدخلها خود شامل پنج تقسیم‌بندی کلی می‌شود که با شماره‌های ویژه و با نظم معینی در همه کتاب سامان یافته است. به این ترتیب که زیر هر مدخل، بخش اول به متنهای قبل از اسلام، بخش دوم به معارف و متون اسلامی، بخش سوم به قصص و داستانها، بخش چهارم به زیبایی‌شناسی و بخش پنجم به جلوه‌های گوناگون خارج از مباحث چهارگانه اختصاص یافته است. هر کدام از این قسمتهای پنجگانه خود به بخشهای فرعی تری تقسیم شده است که در همین بخشهای فرعی نیز نظم یکسان همراه با شماره‌ای اختصاصی، در تمام موارد رعایت شده است. به این ترتیب که به عنوان مثال بخش اول هر مقاله با ریشه واژگانی شروع می‌شود و به دنبال آن نوشتارهای اوستایی و در ادامه آن نوشتارهای پهلوی هر کدام با شماره‌ای جداگانه منظم شده است. به همین شیوه در بخش دوم هر مقاله به ترتیب قرآن و متون تفسیری، اخبار و احادیث و سپس احکام فقهی قرار گرفته‌اند. در بخش سوم قصص قرآنی، داستانهای عرفانی و داستانهای ایرانی در پی هم آمده‌اند. بخش چهارم به تشبیه و تمثیل، کنایه، ترکیبهای وصفی و امثال اختصاص داده شده است و اگر در مواردی خاص جانور مورد بحث دارای خصایص زیبایی‌شناسی و یا ویژگی دیگری بوده که در تقسیم‌بندی چهارگانه بخش چهارم نمی‌گنجد، زیر عنوان تصویرهای گوناگون توضیح داده شده است. در بخش پنجم خواص پزشکی و دارویی که در متون علمی طب کهن برای هر کدام از جانوران قائل بوده‌اند، خواب و رویاهایی که در متون مختلف ثبت شده و اطلاعات نجومی قرار داده شده‌اند. همچنین زیستگاههای جانوران که در کتب جغرافیایی دنیای قدیم آمده و سرانجام در مواردی خاص اشاره اساطیری ملل دیگر به جانور مورد نظر، مشخص شده است. قابل توجه آنکه در بعضی موارد اگر جانوری فاقد یکی از موارد یاد شده بوده، مؤلف ضمن تذکر شماره مخصوص، در متن کتاب جای خالی آن را با نقطه چین مشخص کرده است. به عنوان نمونه در مورد پلنگ که ظاهراً اطلاعات نجومی به دست نیامده است، شماره ۵-۳، خالی اعلام شده است. این روش افزون بر آنکه به نظم منطقی کتاب کمک کرده است، خواننده را یاری می‌کند که در اندک زمانی از

آنچه در کتاب ثبت نشده، آگاهی یابد و از جست و جوی بیشتر معاف شود. این روش همچنین کمک می‌کند تا اگر پژوهنده‌ای مایل است فقط به یک جنبه توجه کند، مستقیماً به شماره مورد نظر خود مراجعه کند و از مطالعه بقیه قسمتها، بی‌نیاز شود. با این حال در مواردی انگشت شمار، پیروی از این شیوه صورت نگرفته و احتمالاً کوتاهی مقاله، چنین مجالی را فراهم نیاورده است. از آن جمله است مقاله تیهو (ص ۲۴۳ و ۲۴۴).

از ویژگیهای ارزشمند دیگر کتاب آن است که همه نمونه‌های شعری، امثال و حکایات، آیات و سایر مستندات کتاب، با ذکر دقیق نشانی همراه است و در مواردی که روایتها متعدد وجود داشته، برای رعایت اختصار به یادکرد یکی بسنده شده و نشانی موارد دیگر در پاورقی آمده است. (برای نمونه می‌توان به صفحه‌های ۷۳، ۹۸، ۳۵۹، ۳۷۲ و... مراجعه کرد) به کارگیری این روش به خواننده‌ای که مایل است مأخذ اصلی یکی از شواهد را پیگیری کند، کمک خواهد کرد.

در پیوند با قصص و داستانهای مربوط به حیوانات در فرهنگ ایرانی، کتاب حاضر مقدمات لازم را برای پژوهندگان فراهم آورده



است. در بخش مربوط به این موضوع، می‌توان ریشه و بن مایه بعضی از صفاتی را که تا امروز بر یک جانور تحمیل شده است، دریافت. به عنوان نمونه شخصیت مکار و حیله‌ورزی منسوب به روباه را می‌توان در یکی از کهن‌ترین فابلهای بشری یعنی داستان سغدی «میمون و روباه» باز یافت؛^۸ همچنین است سابقه زشتی و بد اندامی و نیز دزدبودن زاغ،^۹ کلاه‌داری و پوشیده چشمی باز،^{۱۰} طریقه سخن‌آموزی به طولی^{۱۱} و...

در مبحث امثال و کنایه‌ها نیز اطلاعاتی از ریشه‌های مثلها داده شده که به نوبه خود قابل تأمل است و نوعی فرهنگ تاریخی را تداعی می‌کند. عبارت مروارید در گردن خوک آویختن یا مروارید در پای خوک افشاندن، مضمون معروفی است که خواننده را به یاد ناصر خسرو می‌اندازد. اما این عبارت سابقه‌ای کهن‌تر دارد و مؤلف کتاب **فرهنگنامه جانوران**... آن را در منظومه پهلوی **درخت آسوریک**، بازجسته است.^{۱۲} در این کتاب برخی از برابرتهادهای فارسی برای امثال عربی نیز آمده است. به عنوان نمونه در صفحه ۴۰۴: «روبا به آلو نرسید. گفت: مرا ترشی نسازد»، و در برابر «و اذلم یهندوا به فسبولون هذا افک قدیم» نهاده شده است.

گاهی توضیحات سودمندی در حاشیه مطالب آمده که برخی از نکات تاریک را روشن کرده است، به عنوان نمونه در بسیاری از متون و حتی بعضی فرهنگها میان کلمه وزغ و وزغه به دلیل همانندی در نام و نیز در ظاهر این جانور، تداخل معنایی پدید آمده است، در حالی که از جنبه ویژگیهای ادبی و اسطوره‌ای این دو با کارکردهای متضاد نمود پیدا کرده‌اند: وزغ یا غوک (به عربی ضفدع)، مطابق قصص قرآن بر آتش نمرود آب می‌پاشد و جزو سپاهیان موسی، علیه امت فرعون و از آیات عذاب می‌گردد، و به پاداش این وجهه مثبت و به حمایت از همین نقش است که در احادیث قتل و نابودی آن نهی شده است. حال آنکه وزغه که نوعی جلیپاسه است، اتفاقاً تنها موجودی است که در اطفای آتش نمرود، از یاری خودداری می‌کند و در احادیث و عبارتهای عربی به همین دلیل به قتل آن فرمان داده شده است.^{۱۳} از همین نوع است تداخل معنایی نهنگ و تمساح، یا خوک و گراز و موارد دیگر که تا این معانی دریاخته نشود، بخشهایی از شاهنامه و سایر متون حماسی و قصاید مدحی میهم می‌نماید.

گوشه‌های دیگری از آیین و فرهنگ کهن نیز در این کتاب باز یافتنی است. به عنوان نمونه در مدخل مربوط به کبوتر به سابقه استفاده از کبوتر به عنوان نامه‌بر و انعکاس آن در متون ادبی، تاریخچه مختصر کبوتر بازی، تمثیل و تشبیه روح و روح القدس به کبوتر، رابطه شاهین و کبوتر و یا در زیر عنوان مار، رابطه مار و زمرد، مار و ماهی به عنوان دو عنصر متضاد و اغلب رمزی از حیلہ گری و سره راه به جای ناسره فروختن، مار و ماه و نیز مار و موربه عنوان رمز دو ویژگی متضاد و عجز در برابر قدرت، مار و ریسمان، مار و گنج، دشمنی مار با پرنده، مار پر دار، مار و ریحان و بسیاری مطالب دیگر که الهام بخش داستانها، امثال و کنایه‌ها بوده‌اند، باز نموده شده است.

این کتاب از جهت پی گیری سیری که یک جانور در فرهنگ ایرانی طی کرده است، نیز سودمند است. زیرا نقشهای معنایی و تمثیلی و تشبیهی که بعضی از جانوران در باورهای کهن ایرانی قبل از اسلام داشته‌اند، در دوره‌های بعد دگرگون می‌شود. در این میان بعضی طریق اوج و سیری صعودی را در پیش می‌گیرند و گروهی بر عکس راه نزول و افول را طی می‌کنند. به عنوان نمونه در مورد شیر (و نیز ببر و پلنگ) باید گفت که این جانور با این همه اعتبار حماسی و رمزهای شجاعت و قدرت و سخاوتی که حمل می‌کند، از سابقه‌ای درخشان برخوردار نیست و در متون پیش از اسلام چهره‌ای منفی دارد و رسماً از آفریدگان اهریمن و جزو سپاهیان او شمرده می‌شود.^{۱۴} جلوه این جانور در متون متقدم که هنوز سیطره دوران زرنشتی بر آنها از میان نرفته، حضوری کم رنگ دارد، اما به دلیل تأثیر متون حماسی و نیز قصاید مدحی تقریباً به سرعت راه ترقی را می‌پیماید. در مقابل آن جانورانی هستند که چهره ستودنی آنها به نکوهدگی گراییده است. چون خوک، سگ، جغد و کرکس که در دوران قدیم جانورانی محبوب و حتی نیمه مقدس محسوب می‌شده‌اند، اما در دوران بعد رمز صفات منفی به شمار آمده‌اند. (سگ یاور صفت اشو زوشته یعنی دوست داشته شده راستی و پاکی، وظیفه جنگیدن با دیوان و راندن آنها را برعهده داشته است).^{۱۵}

فرهنگنامه جانوران در ادب پارسی با همه امتیازات و ارزشهایی که دارد، کاستیهای اندکی نیز بدان راه یافته است که امیدواریم با اشاره به چند مورد از آنها به کمال کتاب در چاپهای بعدی کمکی کرده باشیم:

● با آنکه متن کتاب با دقت، درنگ و مطالعه گسترده فراهم آمده، مقدمه کتاب، متأسفانه، شتابزده نگاشته شده و از اشکالات

نگارشی، ویرایشی و غلطهای چاپی در امان نمانده است. (از یاد کردن نمونه‌ها چشم می‌پوشم.)

● از عنوان کتاب چنین برمی آید که این فرهنگنامه مربوط به ادبیات فارسی در همه دوران باشد، اما منابع و مآخذ کتاب شامل متونی است که تا سده ششم نگاشته شده و آثار پس از آن در این کتاب بررسی نشده است. متأسفانه به این موضوع مهم حتی در مقدمه کتاب هم اشاره‌ای نشده است.

● در مواردی ویژه اگر مطابق داده‌های آماری جدولهایی تنظیم می‌شد، راه برای بعضی مقایسه‌ها گشوده می‌شد و امکان بررسی دقیق‌تر فراهم می‌گشت. به عنوان نمونه اگر مطابق جدولی امکان مقایسه میان داستانهای ایرانی و قصص قرآن در مورد یک جانور مثلاً اسب و یا گاو، فراهم می‌شد، کار پژوهش بسی آسان‌تر می‌گردید و یا اگر تشبیهات و سایر آرایه‌های ادبی که براساس ویژگیهای یک جانور بنا شده است، در جدولی تنظیم می‌شد، عرصه تحقیق با وضوح و شفافیت بیشتری گسترده می‌شد.

● در بخش امثال، مثالهای نویافته که به نظر مؤلف استحقاق حمل معنای ضرب‌المثلی داشته‌اند، با نمونه‌های مندرج در کتبی نظیر امثال و حکم دهخدا در یک ردیف قرار گرفته‌اند که به نظر می‌رسد تفکیک این دو دسته اصولی‌تر باشد.

در پایان، با آرزوی توفیق روز افزون برای مؤلف این کتاب یادآوری می‌نماید که کتاب **فرهنگنامه جانوران** می‌تواند در زمینه‌های ریشه‌شناسی واژه‌ها، بنیاد داستانها و قصص، پیشینه امثال و باورها، توضیح تصاویر شاعرانه و آرایه‌های ادبی، بخش عمده‌ای از نیازهای محققان ادبی را برآورده کند. علاوه بر آن راهگشای طیف وسیع‌تری از محققان رشته‌های علوم انسانی چون روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان تواند بود. همچنین داستان نویسان، فیلم سازان، طراحان، نقاشان و سایر هنرمندانی که در مواردی به بیانهای تمثیلی و سمبولیک و طرح اعتقادات و باورهای عمومی روی می‌آورند، می‌توانند از این کتاب بهره ببرند.

پانویسها:

- ۱- فرهنگ نامه جانوران در ادب پارسی، ص ۲۹.
- ۲- همان ص ۶۵.
- ۳- همان ص، ۱۰۳۹.
- ۴- همان، ص ۱۰۱۴.
- ۵- همان، ص ۳۲ تا ۳۴.
- ۶- همان، ص ۲۱۸.
- ۷- همان، ص ۷۵۶.
- ۸- همان، ص ۴۰۵.
- ۹- همان، صص ۸۲۷ تا ۸۳۰.
- ۱۰- همان، ص ۱۳۸.
- ۱۱- همان، ص ۶۳۵.
- ۱۲- همان، ص ۳۷۶.
- ۱۳- همان، ص ۶-۱۱۷۱.
- ۱۴- همان، ص ۵۴۷.
- ۱۵- همان، ص ۴۲۶.
- ۱۶- همان، ص ۳۶۵.
- ۱۷- همان، ص ۲۴۵.

